

جهانی شدن اقتصاد

پشگفتار

آنچه اکنون پیش روی دارید گزیده ای از مطالبی است که پس از مطالعه و تحقیق در مورد موضوع جهانی شدن اقتصاد بدست آوردیم.

جهانی شدن یکی از جنجال برانگیزترین مباحث در حوزه جهانی می باشد به شکل بسیار گسترده ای مطرح شده است و بر بسیاری از جنبه های زندگی مردم و حکومت های ملی تاثیر گذاشته بطوریکه کشورها خواه ناخواه بسوی جهانی شدن می روند.

البته این پدیده بیشتر در صحنه اقتصاد رخ داده و به تدریج بعد اقتصادی و محصولات آن ابعاد دیگر جامعه یعنی ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی - آموزشی - مذهبی و ... را تحت تاثیر خود قرار میدهد.

جهانی شدن اقتصاد که موضوع اصلی سمینار من می باشد در سه بخش جهانی، خاورمیانه و کشورهای حوزه خلیج فارس و ایران تهیه شده است.

در این تحقیق سعی شد تا چشم اندازی کلی از پدیده جهانی شدن اقتصاد را ارائه دهیم. امید است مورد پسند استاد گرامی واقع شود

بخش اول : جهانی شدن اقتصاد و تحولات آن

مقدمه :

در دورانی که در اثر شایعات مربوط به جنگ جهانی سوم ارزشها به نوسان درآمده و لشکریان طوفان در بساری سرزمینها خود را آماده حمله ساخته اند، ما با وحشت به عناوین روزنامه ها خیره می شویم.

ارزش طلا، این حرارت سنج ترس، رکود می شکند. بانکها به لرزه درآمده اند. تورم از کنترل خارج شده و دولتهای جهان به فلج عمومی و کند ذهنی مبتلا شده اند.

گروه کر بزرگ کاساندر^۱ در مقابله با تمامی اینها گوشها را با نوای شوم سرنوشت پر می کند و انسان کوچک و خیابان زمزمه می کند که دنیا «دیوانه» شده است و در همان حال کارشناسان و صاحب نظران به همه روندهایی که به فاجعه می انجامد اشاره می کنند .^۲

یکی از این روندها، جهانی شدن است که ابعاد بسیار گسترده ای در حوزه های سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و خصوصاً تجاری اقتصادی یافته است.

تعریف : جهانی شدن یا Globalization یا به شکل صحیحتر universalism یعنی گسترش روابط اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان در دوران کنونی، بدین شکل که جنبه های متعددی از زندگی مردم از سازمانها و شبکه های اجتماعی تاثیر می پذیرد که هزاران مایل دورتر از جوامعی که در آن زندگی می کنند قرار دارند»

جهانی شدن اقتصاد کشورها در واقع از نیمه اول قرن ۲۰ ، آغاز شد و بعد از بحران ۱۹۲۹ و جنگ جهانی دوم، نهضت چند جانبه گرایی و تاسیس سازمان ملل و بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، ابعاد تازه ای به آن دادند.

۱ دختر پادشاه تروا است که بنا به افسانه های یونانی آپولو عاشق وی می شود و به قدرت پیشگویی عطا می کند ولی کاساندر^۱ به عشق آپولو جواب رد می دهد و آپولو مقرر می دارد که کسی به عنوان برده به پیشگویی های وی را باور ندارد کاساندر^۱ بارها و بارها انقضای حکومت پدرش را پیش بینی کرد ولی کسی به وی اعتنا نمود تا اینکه تروا به دست یونانیان افتاد و کاساندر^۱ از آن پی چمدت آنان در آمد (م- امریکانا،ص ۷۶۶ ، ۱۹۸۰

۲ . اولین تافلر، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی - تهران

بسیاری از صاحب نظران اظهار کرده اند آنچه امروز رخ می دهد ناتقال به جامعه ای جدید است که دیگر اساساً مبتنی بر وضعیت گرایی نیست.

آنها ادعا می کنند که ما وارد مرحله ای از توسعه می شویم که به کلی فراتر از دوران صنعتی است * چنانچه آلوین تافلر استدلال کرده است که: "آنچه هم اکنون رخ می دهد، به احتمال قوی، بزرگتر، عمیق تر و هممتر از انقلاب صنعتی است... احظه حاضر چندی کمتر از دومین فصل بزرگ جدا کننده در تاریخ بشر نیست"

یا مارکس می گوید: "سرمیاه داری امروزی به تولید و مصرف خصلت جهانی داده است... و صنعت را از قید ملیت آن رها ساخته است. تمام صنایع ملی قدیمی نابود شده است یا روز به روز بیشتر نابود می شوند.

آنها جای خود را به صنایع جدید می دهند که معمول شد نشان بصورت مسئله مرگ و زندگی برای همه ملل متمدن در می آید، به ضایعی که دیگر نه فقط از مواد خام بومی بلکه از مواد خام استفاده می کنند که از

دور افتاده ترین مناطق آورده می شود، صنایعی که محصولاتش نه فقط در داخل ، بلکه در هر گوشه جهان مصرف می شود."

«یکی از جنبه های اصلی جهانی شدن ، نظام جهانی است که از دوره گسترش غرب از قرن ۱۷ به بعد بوجود آمده است و گد چه امروزه به سرعت گسترش می یابد اما به هیچ وجه پدیده کاملاً جدیدی نیست

و از زمانی در حدود دو یا سه قرن پیش آغاز گردیده است.»

تاریخچه جهانی شدن:

مفهوم جهانی شدن دارای تاریخچه مشخصی در ادبیات سیاسی و بین المللی است.

الف) برخی بر این اعتقادند که جهانی شدن حدود ۴۰۰ سال قدمت دارد و با مدرنیسم، جهانی شدن هم شکل گرفته است.

ب) برخی دیگر از نویسندگان بر آنند که «جهانی شدن» یکی از شاخه های مدرنیسم است و در عین حال یک جریان جدید هم می باشد و ریشه ای تاریخی ندارد.

مدرنیسم جریانی بود که در غرب آغاز شد و دیدیم که چگونه جهان را در نوردید و «جهانی» شد. علی رغم آنکه در ابتدا توسط سنت گراها مخالفت های زیادی در مقابل مدرنیسم صورت گرفت ولی در نهایت مدرنیسم پیروز شد.

برای مدرنیسم خصوصیات زیادی نقل می کنند که یکی غیر قابل بازگشت بودن آن است. یعنی مدرنیسم مانند یک انقلاب همه چیز را زیر و رو می کند و از آنجا که **universal** است پس همه جهان را در هم می نوردد. به اعتقاد این گروه مدرنیسم جریانی بود که نمی شود جلوی آن را با وجود آنکه دیدگاههای مخالف زیادی در مقابل آن وجود داشت سد کرد.

به عقیده گروه اول، پدیده جهانی شدن که ما امروز شاهد آن هستیم مرحله ای از جریانی است که از قدیم شروع شده اما اکنون شکی جدید به خود گرفته است و علت این شکل گیری نوین «تکنولوژی ارتباطات» است و این همان چیزی است که نافلر در موج سوم به آن اشاره کرده است. بی تردید ما امروز در یک دهکده جهانی زندگی می کنیم و پیش بینی تا فلر صحیح بوده است.

اما در کل این نظریه که جهانی شدن محصول دهه اخیر می باشد، صحیح تر بنظر میرسد زیرا در همین ۱۰ الی ۱۲ سال اخیر است که شاهد تحولات ناشی از جهانی شدن، مثل «پیشرفت ناگهانی تکنولوژی ارتباطات» هستیم.

حالا این سوالات مطرح می شوند که جهانی شدن صرفاً برای کشورهای در حال توسعه اهمیت دارد یا برای کشورهای جهان سوم هم یک موضوع قابل بررسی است؟

آیا جهانی شدن شکل جدید و نوینی از استعمار است؟

در حال حاضر اندیشمندان نسبت به مساله جهانی شدن به دو دسته خوش بین و بد بین تقسیم می شوند:

الف) برخی می گویند جهانی شدن هیچ نفعی برای ما نخواهد داشت زیرا جهانی شدن ادامه استعمار و شکل جدیدی از آن می باشد که ما نباید فریب آنرا بخوریم یعنی اینکه دیدگاه خوبی نسبت به این پدیده

ندارند و بر این عقیده اند که جهانی شدن یک **process** نمیباشد. بلکه یک **project** «پروژه» است یعنی عده ای نشسته اند و نقشه ای برای استعمار دنیا طراحی کردهاند که این نقشه نام جهانی شدن به خود گرفته است. طراحان این نقشه می خواهند حاکمان آینده جهان باشند.

ب) در مقابل کسانی هم معتقدند که جهانی شدن یک پروسس است و از آن بعنوان یک نقشه فرهنگی یاد نمی کنند بلکه آنرا یک روز طبیعی که برنامه های خاص خودش را دارد، می دانند و می گویند جهانی شدن فرایندی است که از جایی شروع می شود و به تکامل می رسد. کسی آنرا هدایت نمی کند و با پیشرفت علم و تکنولوژی و ارتباطات راه خودش را می پیماید و پیش می رود.

کسانیکه جهانی شدن را یک پروژه می دانند، عواملی را نام می برند که باعث تسلط فرهنگ غربی بعد از جنگ جهانی دوم و خصوصاً در عصر حاضر شده است که عبارت اند از:

(۱) **Cassandra**: دختر پادشاه تروا است که بنا به افسانه های یونانی، آپولو عاشق وی می شود و به وی قدرت پیشگویی عطا می کند. ولی کاساندر را به عشق آپولو جواب رد می دهد و آپولو مقرر می دارد که کسی پیشگوییهای وی را باود ندارد. کاساندر بارها و بارها انقراض حکومت پدرش را پیش بینی کرد ولی کسی به وی اعتنا نمود تا اینکه تروا به دست یونانیان افتاد و کاساندر از آن پس به عنوان برده به خدمت آنان در آمد (م-آمریکانا، ص ۷۶۶، ۱۹۸۰)

۱- شرکتهای چند ملیتی ۲- بازارهای فروش جهانی ۳- انقلاب اطلاعاتی ۴- فروپاشی نظام

کمونستی شوروی

جهانی شدن فرهنگ:

از دید تاریخی، جریان جهانی شدن کنونی اقتصاد و فرهنگ، تشکیل چهارمین تمدن جهانی را نوید می دهد،

این جریان به نامهای گوناگونی شناخته شده است از جمله جامعه فراصنعتی، اطلاعاتی و ارتباطی جهانی شدن زندگی اجتماعی هم بر الگوی های متغیر هر نشینی اثر می گذارد و هم از آنها تاثیر می پذیرد. همچنین جهانی شدن اقتصاد در فرهنگ همراه از هم گسیختگی، بی عدالتی و بر خوردهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بسیاری است. یا به عبارت دیگر جهانی شده روابط اجتماعی به گونه ای برابر و هماهنگ پیش نرفته و از آغاز در ارتباط با نا برابری میان مناطق مختلف جهان بوده است. همانطور که گفته شد تا فکر عقیده داشت که ما با یک دهکده "جهانی سرو کار داریم. حال در این دهکده بحثهای فراوانی در می گیرد که کدام ملیت و کدام فرهنگ غالب خواهد شد و کدام فرهنگ مغلوب می شود؟ یا اینکه آیا فرهنگ غرب مسلط می شود؟ آیا فرهنگها خودشان باقی می مانند؟ برخی از اندیشمندان در پاسخ گفته اند که اصلاً" این طور نیست که بگوییم جهانی شدن، فرهنگها را از بین می برد، آنها د رادامه تو ضیح شان از اصطلاح و فرهنگ موزاییکی « استفاده می کنند. به این معنی که فرهنگهای مختلف در جهان مانند موزائیک کنار هم زندگی می کنند و هر چه این موزائیکها رنگارنگتر و متنوعتر باشند، زیبا تر و جالبتر بنظر می رسد، یعنی اینکه نباید اصلاً" نگران کنار هم قرار گرفتن فرهنگها متفاوت باشیم.

همچنین نباید نگران باشیم که کدخدای این دهکده کوچک غربی ها خواهند شد! چرا؟ غربیها و قتیکه دیدند کشور هایشان سرشار و انباشه از فیلمهای هالیوود و آمریکایی می شود، عهد نامه تلویزیون فرامرزی را تصویب کردند و اجازه ندادند که فرهنگ آمریکایی مسلط شود زیرا اعتقاد داشتند که این Globalization نیست بلکه Americanization است!

برخی دیگر از اندیشمندان نیز می گویند از آنجا که جهانی شدن یک خصلت سرکش در جهان است نمی توان بطور حتمی گفت که در جهان چه اتفاقی در حال رخ دادن است زیرا برای آنکه بتوان راجع به یک

موضوع اظهار نظر نمود باید از سطحی بالاتر به آن نگریست ، حال آنکه خود ما نیز در معرض جهانی شدن هستیم .

عوامل جهانی شدن : عواملی در پیدایش و تکوین جهانی شدن نقش دارند که عبارتند از :

۱- صنعت ارتباطات ۲- رشد شرکتهای چند ملیتی ۳- گسترش و نفوذ بازارهای جهانی ۴-

افزایش اقدامات بین المللی در خصوص حفظ حقوق بشر ۵- مسائل زیست محیطی

توضیح صنعت ارتباطات :

یکی از صنایع مسحور کننده است که در دهه اخیر با سرعت باور نکردنی رشد یافته است . مثلاً" در حال حاضر حجم یک کتابخانه بزرگ را در یک ریسک فشرده (CD) ذخیره می کنند و انبوهی از اطلاعات را از آن سوی دنیا Download می نمایند. اینها همه دست به دست هم داده اند تا تحول عجیبی را در انتقال از اطلاعات صوت و تصویر بوجود آورند. شما می توانید چند دقیقه نامه خود را به همه جای دنیا برسانید.

این مسائل باعث شده اند تا در حوزه های مختلف فکری و فرهنگی ، سیاسی ، و تحولات زیادی صورت بگیرد و ملت ها همواره از وضع یگدیگر آگاه باشند .

توضیح رشد شرکتهای چند ملیتی :

« در حال حاضر در حوزه اقتصاد، شرکتهایی به نام شرکتهای چند ملیتی (Multynational) وجود دارند

که دیگر وابسته به یک دولت خاص نمی باشند و از چند ملیت تشکیل شده اند . البته امروزه دیگر شرکتهای

چند ملیتی هم دارند از رونق می افتد و شرکتهای «فراملیتی» در حال شکل گیری هستند که بخش عظیمی از اقتصاد جهانی در دست این شرکتها ست . مثالی می توان در این جا آورد در مورد صنعت اتومبیل است.

اتومبیل مورد اسکورد که تقریباً" تولیدی جهانی است طوری طرح ریزی شده بود که از قطعات ساخته شده

و مونتاژ شده در کشورهای مختلف تولید شود و برای اتومبیل رانی در تمام قاره ها مناسب باشد (به یمن شکل که قطعات تولید شده در ۱۲ کشور اروپایی، کانادا، آمریکا و ژاپن و مونتاژ نهایی در آمریکا و انگلیس و اسپانیا انجام می شود)» (۱)

شرکتهای فراملیتی به ایجاد تقسیم کار بین المللی جدید و وابستگی متقابل اقتصادی بین جوامع کمک کرده اند و اکنون همه کشورهای جهان را عمیقاً تحت تاثیر قرار می دهند (۲).

انتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر سیوری - تهران ۱۳۷۶ ص ۵۸۶ و ۵۸۷

فلکر فروبل، و دیگران، تقسیم کار بین المللی جدید - ۱۹۸۰ م

توضیح گسترش و نفوذ بازارهای جهانی:

گفته می شود که سرمایه داری تا کنون سه دوره را پشت سر نهاده ست:

الف) سرمایه داری تجاری (Commercial)

ب) سرمایه داری صنعتی (Industrial)

ج (سرمایه داری مالی (Financial)

از یک دوره مشخص به تعد ، سرمایه داری تجاری جای خود را به سرمایه داری صنعتی داد. در دو قرن ۱۶ و ۱۷ شاهد سرمایه داری تجاری هستیم ولی در قرون ۱۸ و ۱۹ به سرمایه داری صنعتی را داریم و در قرن بیستم نیز سرمایه گذاری صنعتی جای خود را به سرمایه گذاری مالی داد. سرمایه داری مالی با دو نوع دیگر تفاوتی دارد .

در این نوع سرمایه داری اعتبار و اعتماد است که پیش برنده امور است و به همین دلیل امروزه بانکها هستند که در سرمایه داری دنیا نقش مهم و اساسی را برعهده دارند. بخصوص بانک جهانی و صندوق بین المللی پول .

اگر دقت کنیم می بینیم که در امور بانکی تکنولوژی ارتباطات نقش اساسی را بر عهده دارد تا آنجا که امور بانکی نیز از طریق ارتباطات اینترنتی قابل انجام است .

توضیح افزایش اقدامات بین المللی در خصوص حفظ بشر :

از مسائل دیگری که اثر بسیاری در خصوص مساله جهانی شدن دارد و داشته است مساله افزایش اقدامات بین المللی در خصوص حفظ حقوق بشر است. در این دوره با رشد سریع سازمانهای غیر دولتی (NGO) مواجه هستیم . این شرکت ها در مقابل دولتها صاحب قدرت شده اند و ارتباطات مردم هم بواسطه اینترنت با این شرکتها بسیار تسریع شده و همین موضوع مشکلاتی را برای دولتها بوجود آورده است .

توضیح مسائل زیست محیطی :

بحث مهم دیگری که فرآیند جهانی را تشدید نمود ، مسائل «زیست محیطی است» . مساله گرم شدن کره زمین و بارانهای اسیدی و نازک شده لایه ازن بحث هایی هستند که همه ممالک و کشورهای دنیا را به خود مشغول نموده است .

بنابراین لازم است که همه دولته برای رفع این مشکلات هماهنگ و همکار باشند . مجموعه این علل به بحث جهانی شدن دامن زدند و آنرا به پیش بردند . این بحث در کشورهای غربی پیدا شده کم کم به سایر نقاط جهان هم سرایت کرده است .

ابعاد جهانی شدن : جهانی شدن ابعاد مختلفی دارد از جمله :

۱- بعد ارتباطی جهانی شدن ۲- بعد سرمایه داری جهانی شدن ۳- بعد سیاسی جهانی شدن

۴- بعد فرهنگی جهانی شدن ۵- بعد معرفتی جهانی شدن

توضیح بعد ارتباطی جهانی شدن :

یعنی اینکه جهان کوچک شده است که در این مورد نظریا لوهان گیدنز و دیوید هاروی و کاستلز حائز اهمیت اند .

آنتونی گیدنز می گوید: « در جهان صنعتی زمان و مکان کم رنگ می شود.» به اعتقاد وی هنگامی که چیزی روی می دهد و زمانی که آن چیز روی می دهد ، یعنی زمان و مکان رخداد یک پدیده ، درفهم چگونگی و چرایی آن مهم است . هر چه به جوامع صنعتی نزدیک میشویم ، نقش زمان و مکان در سطح جامعه ملی کم رنگ شده اما یک نقش محلی (Local) پیدا می کند.

به تعبیر گیدنز زمان و مکان در قابل و شکل منطقه ای و محلی دنبال می شود و به شکل گیر طبقات اجتماعی کمک می کند، یکی از شرایط شکل گیری طبقات اجتماع که ایران فاقد آن است این است که طبقات مختلف یک جدایی گزینشی از یکدیگر داشته شانند و در محله های خاص حکومت کنند. سکونت در محله ها مختلف و متفاوت ، باعث تعاملی بین طبقات بالا می شود و این تعامل باعث شکل گیر فرد و فرهنگ طبقاتی می شود مثل شمال و جنوب ، شرق و غرب در صحنه بین المللی .

مک لوهان می گوید جهان به صورت یک دهکده در آمده است ، یعنی اتفاقی که در زمان و مکان می افتد . مقابل تعمیم و تسری به زمان و مکان دیگری است . گیدنز این مفهوم را تحت عنوان فاصله گیری زمانی و

مکانی یاد می کند. وی می گوید چون در جوامع قبیله ای رابطه اجتماعی و چهره به چهره حکم فرما بوده است، آنها بیشتر اسیر این روابط زمینه مند زمانی و مکانی بودند. مثل یک روستا در یک قبیله، تماسهای چهره به چهره و زمان رخداد یک حادثه خیلی تعیین کننده بوده و به تدریج که به سمت جوامع طبقاتی و صنعتی می رویم، یک فاصله گیری زمانی و مکانی رخ می دهد.

توضیح بعد سرمایه داری جهانی شدن: در بعد اقتصادی، جهانی شدن را بدون نظام سرمایه داری نمی توان فهم کرد. حال اگر این واقعیت را پذیرفته و نگاهی جامع به آن داشته باشیم آیا می شود قطع نظر از بعد سرمایه داری جهانی شدن بدان پیوست؟ آیا می شود این بعد سرمایه داری را نادیده گرفت؟ روشن است که سرمایه داری محمل جهانی شدن اقتصادی است، زیرا نهادهای خاص آن همچون بازارهای ملی کالا، نیروهای کارقرار دادی و مالکیت قابل انتقال، مبادی اقتصادی بین المللی دور را، تسهیل می کنند.

خاستگاه ولیه و مبانی اصلی جهانی شدن اقتصاد، تجارت است، روابط فراملی که از طریق تجارت برقرار شده است، می تواند روابط بین دولتها را تضعیف و یا دست کم با شکل روبرو سازد.

جهانی شدن عمدتاً در بعد تجاری خود، در واقع همین نظام سرمایه داری است. نوئل کاستلز نیز می گوید: بعد اقتصادی جهانی شدن سه ضلع دارد: ۱- یک ضلع ن تکنولوژی اطلاعات است. ۲- ضلع دیگر اطلاعات گرایی به مثابه شیوه جدید توسعه است یعنی جنبه نرم افزارانه توسعه یافتگی اهمیت می یابد. ۳- ضلع سوم آن نظام سرمایه داری است، در بعد اقتصادی. جهانی شدن را بدون نظام سرمایه داری نمی توان تصور کرد.

توضیح بعد فرهنگی جهانی شدن: «جهانی گرایی تنها یک ایدئولوژی نیست که در خدمت منافع یک گروه محدود باشد. همانگونه که ملی گرایی زمانی می گفت بیانگر افکار تمام ملت است. جهان گرایی نیز ادعای کند که از طرف همه جهان

سخن میگوید و ظاهراً "بعنوان یگ ضرورت تکاملی تلقی می شود. باید انتظار داشت که دهه های آینده ، عصر مبارزه برای ایجاد نهادهای جدید جهانی باشد نهاد هایی که بتوانند هم معرف کشورهای ما قبل پیدایش ملت و هم کشورهای ما بعد پیدایش ملت باشند . بطور خلاصه ما در جهت یک نظام جهانی متشکل از واحدهای بشدت بهم پیوسته نظیر نورونهای عصبی در حرکت هستیم نه نظامی که نظیر بخشهای یک دیوانسالاری شکل گرفته باشد.» (۱)

اما سخن آخر : راه مقابله با جهانی شدن چیست و ما چه وظیفه ای داریم ؟

جهانی شدن، پروژه ای اجتماعه با مبانی معرفتی سست بنیه است ، به نظر نویسنده راهی که پیش روی ماست استفاده ز ابزارهای هژمونیک جهانی شدن است . سرمایه داری مدرسه ، دانشگاه و کلیسا می سازد شما باید در آنها رخنه کنید . اگر ابزار هژمونی سرمایه داری ، ارتباطات جهانی است باید از این ارتباطات به نحو احسن استفاده نمود . بسیاری از دوستان پاسخ بیانیه ۵۸ فقره استراتژیست را در همان سایتی که آنها فرستاده بودند اعلام کردند و این بهترین راه مقابله است . اما جدی ترین راه مقابله ، گفتگوی ادیان و نیز گفتگوی بین فرق اسلامی است . بهترین راه مقابله است که از بین نرفته است .

(۱) آلون تافلر ، موج سوم ، ترجمه شهیدخت خوارزمی - تهران ۱۳۸۰ ، ص ۴۵۱

نکته دیگر اینکه باید درک عمیقی از انقلاب اسلامی داشته و این انقلاب را در شرایط جغرافیایی ایران ، محسور نبینید . انقلاب اسلامی را به عنوان پروژه اینبشری نگریسته و آن را تئوریزه کنید و بر اساس این

نئوریزه و ایوئولوریزه کردن انقلاب اسلامی استراژی بلند مدت آن را تدوین نمید در حالیکه از دو پیام بنیادین انقلاب اسلامی غافی نیتمد، معنویت گرایی و خداگرایی و معنویت گرایی که در ساخت روابط اجتماعی و خداگرایی که در ساخت اندام خردمندی بسط یافته است.

ویژگیهای جهانی شدن اقتصاد:

۱- رشد تجارت جهانی ۲- رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی ۳- تجارت پول و سرمایه

۴- جریان آزادانه خدمات تولیدی ۵- توسعه صنعت توریسم

رشد تجارت جهانی:

شواهد آماری نشان می دهند که بعد از جنگ جهانی دوم کشورها در ران آزاد سازی تجارت و گسترش آن حرکت کرده اند به نحوی که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۵ نرخ رشد صادرات جهانی بیشتر از تولید جهانی بوده

است و نیز به لحاظ کمی از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۹ حجم تولید جهانی از ۷۱۱۰ به ۳۱۰۰۰ میلیارد دلار،

در حالی که صادرات جهانی از ۸/۱۲۴ به ۶۴۷۶ میلیارد دلار افزایش یافته است.

رشد سرمایه گذاری مستقیم خارجی:

از ویژه گیهای کنونی اقتصاد جهانی رشد چشمگیر در حجم سرعت سرمایه گذاری های مستقیم جارچی است.

بنابرشواهد آماری حجم سرمایه گذاری مستقیم خارجی به طور متوسط طی دو دوره زمانی ۹۰-۱۹۸۵

و ۹۶-۱۹۹۱ از ۹۳/۱۴۱ به ۵/۲۴۲ میلیارد دلار رسیده به که ۸۲ در صد آن در دوره ۹۰-۱۹۸۵ در کشورهای

توسعه یافته و ۱۸ در صد در کشورهای کمتر توسعه یافته اتفاق افتاده است. این در صدها در دوره ۹۶-

۱۹۹۱ به ۶۴ و ۳۶ در صد رسیده است.

تجارت پول و سرمایه:

از ویژه گیهای دیگر اقتصاد کنونی جهان رشد تجارت پول و سرمایه ناشی از افزایش چشمگیر حضور بانکها و شرکتهای فراملیتی در بازارهایی مالی داخلی و خارجی است که عمدتاً در شهرهای بزرگی نظیر نیویورک، لندن، پاریس، توکیو و سایر مراکز کشورهای توسعه یافته که توان جذب سرمایه داری بین المللی، مدیریت مالی و مراکز بانکی را داشته اند صورت گرفته است.

جریان آزادانه خدمات تولیدی:

رشد و دگرگونی خدمات تولیدی یکی دیگر از ویژه گیهای اقتصاد جهانی است. صادرات مهارتهای مدیریتی، اطلاعات و نکتم های سازمانی از مهمترین نوع تجارت بدون مرز به شمار می آیند که عمدتاً توسط سرمایه گذاری خارجی در خدمات صورت می گیرد، رشد خدماتی نظیر حسابداری، انتشارات، محاسبه گرها، مهندسی مالی و حقوقی، نقش اساسی در گسترش و هدایت خدمات تولیدی داشته اند. بنابر شواهد آماری سهم خدمات تولیدی در تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه یافته در چند دهه گذشته رشد بالایی داشته و بیشترین تغییرات به ترتیب در کشورهای اینالیا، ژاپن و فرانسه صورت گرفته است.

توسعه صنعت توریسم:

گسترش ارتباطات و وسایل ارتباطی امن و سریع نظیر هواپیما، کشتی های بزرگ مسافری و قطارهای سریع السیر و آشنایی ملتها از همدیگر انگیزه سیر و سیاحت را به وجود آورده است به نحوی که صنعت توریسم را به یکی از زیربخشهای مهم بازرگانی در آورده است. چنانچه آمارها نشان می دهد در آمد دنیا از محل صنعت توریسم در سال ۱۹۹۶، ۴۲۵ میلیارد دلار بوده است.

پیامدهای جهانی شدن:

نتایج تحقیقات دانشمندان نشان می دهد که مراکز عمده اقتصاد جهانی در مورد منطقه آمریکای شمالی ، اروپا و شرق و جنوب شرقی آسیا قرار دارند و فرآیند جهانی شدن اقتصاد بیشتر به نفع این سه منطقه است .

بنابراین ، بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته آسیایی و آفریقایی و آمریکایی که دارای بازارهای پولی و مالی کار آمدن ساختار اقتصادی توسعه یافته و سرمایه های انسانی کافی نیستند از فرآیند جهانی شدن اقتصاد بهره زیادی نخواهند برد و در حقیقت فآیند جهانی شدن اقتصاد به نفع کشورهای قوی تمام می شود زیرا به دلیل فوق جریان سرمایه به سوی این کشورها نبوده و از طرف دیگر پیشرفتهای سریع فنی و بیونکنولوژیکی از اهمیت منابع و مواد اولیه کشورهای کمتر توسعه یافته ماسته است . بسیاری از مخالفان جهان شدن اقتصاد (به شیوه آمریکایی) معتقدند که تبلیغ فرهنگ و ارزشهای مادی مطلوب نظام سرمایه داری سبب کم رنگ شدن ارزشهای انسانی و معنوی و رشد خشونت و جنایت می شود و استقلال عمل و خط مشی های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در سطح مالی کشورها را کاهش میدهد و فشار رقابت اقتصادی می تواند به نابودی محیط زیست بینجامد ، قاعدتا " این موارد در کشورهای کمتر توسعه یافته نمود بیشتر می یابند.

پرسش اساسی این است که چگونه ممکن است دو جهان یکی ثروتمند و دیگری فقیر و گرسنه در کنار هم زندگی کنند و هر دو لذت ببرند ؟

به هر حال از آنجا که جهانی شدن پدیده ای حقی و قطعی بوده حاضر منافع کشورهای پیشرفته را تأمین می کند ، کشورهای جهان سوم باید خود را برای رویارویی با چالشهای جهانی شدن اقتصاد آماده سازند.

پیشنهادات :

با توجه به ویژه گیهای جهانی شدن و عوامل مؤثر در گسترش آن می توان گفت که عملاً " جهانی شدن در صحنه اقتصاد رخ داده است و حرکت کشورها به سوی آن موجه جلوه می کند . بویژه برای کشورهای کمتر توسعه یافته ، هر چند که ارزشها و شیوه زندگی آنها را نپذیرند . پس کشورها برای بهره گیری از دستاوردهای علمی و فرهنگی و سرمایه های خارجی باید تحولات و اصلاحات اساسی زیر را بوجود آورند .

تحول در ساختار آموزشی و تربیت نیروهای با مهارت بالا .

گسترش کمی و کیفی بازار بورس به نحوی که بتواند در جهت تأمین سرمایه های مالی و رقابتی، مدیریت و انتقال سهام و بعنوان بخش پیشتاز حرکت کند .

تحول در ساختار اقتصاد با گسترش سرمای گذاریهای زیر بنایی ، شکستن انحصارات دولتی ، رقابتی کردن فعالتهای اقتصادی ، افزایش کارایی بویژه در ادارات و تشکیلات دولتی و اجرای سیاستهای کار آمد .

اصلاح سیاستهای تجاری و سیستم ارزی و نیز گسترش همکاریهای اقتصادی و تجاری منطقه ای .

۵- اصلاح و شفاف کردن قوانین مالیاتی ، کار و سرمایه گذاری های خارجی در جهت جذب سرمایه ها ، دانش فنی و وان مدیریتی خارجی .

۶- تحرک در سیاست خارجی در راستای گسترش همکاریهای اقتصادی و تجاری با مناطق

www.kandooon.com

مختلف جهان .

WWW.TEHRANECONOMIST.COM مصاحبه با محمد حسین ادیب مسئول سایت

سؤال : نا پروسه جهانی شدن اقتصاد ، جهت نگاه نسبت به انسان هم تغییر می کند؟

جواب: در جامعه سرمایه داری ، مفید بودن ، مهم نیست سودمند بودن اهمیت دارد .

سؤال : آیا مردم باید سودمند باشند تا از حق زیستن بر خوردار باشند ؟

جواب: در جوامع دمکراتیک ، در هر حال به مردم نمی گویند که زیادی هستند .

سؤال : با ایجاد سازمان تجارت جهانی ، آیا استثمار خاتمه یافت .

جواب : وضعیتی دارد شکل می گیرد که بدتر از استثمار شدن است ، توده ها دیگر استثمار شدنی هم

نیستند . اکثریت عظیم انسانها ، دیگر برای اقلیت نا چیزی که اقتصاد جهان را اداره می کنند ، ضروری

نیستند.

سؤال : شما از جهانی شدن اقتصاد نگران هستید ؟

جواب : من از جهانی شدن اقتصاد نگرانی نیستم ، اما از جهانی شدن فقر چـرا، من مخالف جهانی طرد

و فقر هستم اما از جهانی شدن رفاه و آسایش همگانی دفاع می کنم .

سؤال : جهانی شده طرد ؟

جواب : بله ، هر کشوری که عضو سازمان تجارت جهانی نشود ، از اقتصاد جهانی طرد می شود.

www.kandooon.com

سؤال : گفتید حتی قابل استثمار شدن هم نیستند؟

جواب : بله ، حد اقل ۶۰ کشور در جهان سوم ، هیچ چیز مهمی برای صادر کردن ندارند . چیزی ندارند صادر کنند که حتی استثمار شوند.

نتیجه گیری :

در اینجا این پرسش را مطرح میکنیم که " آیا ممکن است در آینده زمانی فرا برسد که تمامی جهان به یک نظام سیاسی اقتصادی واحد تبدیل گردد و شکلی از حکومت جهانی بر آن نظارت داشته باشد؟
مسئله " فرآیند جهانی شدن از جمله مهمترین دگرگونیهای اجتماعی است که در زمان کنونی رخ می دهد و آن نوع تحلیل جامعه شناختی که خود را به بررسی جوامع متمدن محدود می کند پیش از پیش کهنه می شود. " (۱)

www.kandooocn.com

آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری - تهران ۱۳۷۶، ص ۵۹۷

۱- جهانی شدن اقتصاد، سیاست جهانی را متحول ساخته و آنرا به نظامی فراسوی نظام مبتنی بر دولتهای ملی سوق می دهد.

۲- جهانی شدن اقتصاد بر تغییر ساختار سیاسی بین المللی تأثیر بسیار داشته است: دو شکل بنیادین در روند جهانی شدن وجود دارد: الف) روند فزآینده وابستگی ها و ارتباطات متقابل ب) کاهش به ظاهر فزآینده اهمیت مرزهای ملی.

۳- همینطور در حال حاضر دنیا چندان به هم نزدیک شده است که دخداد های یک قسمت جهان می تواند به طرز شگرفی بر جوامع بسیار دور دست تأثیر گذار باشد. می توان روزی را پیش بینی کرد که دیگر محصول ملی، فن آوری ملی و شرکت ملی و ... وجود نداشته باشد. از دیدگاه اقتصادی در چنین شرایطی مرزها اهمیت خود را هر چه بیشتر از دست خواهند داد.

۴- هر چه اقتصاد بیشتر جهانی شود از قدرت کشورها برای قانونمند ساختن امور داخلی خود کاسته می شود. این در حالی است که وقتی سیاستهای داخلی نا توان از انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی باشند، باعث انزوا و نا ایدید مردم می گردند. تضعیف حاکمیت ملی، بدون نظام تغییر ساختاری در نظام بین المللی به معنای از دست رفتن حاکمیت مردمی است. این امر راه را برای باز کشت قدرتمندان و نخبگان که در برابر مردم پاسخگو نیستند، باز می کند. در چنین شرایطی امکان دارد میزان احترام به حقوق بشر نیز در جوامع مختلف کاهش یابد.

www.kandooocn.com

۵- تأثیر دیگر اقتصاد جهانی بر جوامع گوناگون از بین رفتن تنوع فرهنگی است. بازار جهانی، سلطه طلب و خود خواه است و آماندانه به دنبال بازار فروش در سایر کشورهاست.

«حفظ تنوع فرهنگی» یا به عبارت دیگر داشتن قالبهای فرهنگی ملی ویژه است که ملتها را قادر می سازد در مقابل تهاجم فرهنگی جامعه^۱ صنعتی مدرن ایستادگی کنند و اگر از غنای فرهنگی ویژه برخوردار نباشند تاب مقاومت در برابر این بمباران فرهنگی را نخواهد داشت.

۶- کارایی دولتهای ملی در عصر جهانی شدن اقتصاد، در عرصه^۲ حفاظت از محیط زیست نیز هر چه آگاه تر می شود و جوامع را به سوی همکاری در جهت حفظ محیط زیست سوق می دهد.

«با این همه و به رغم وابستگی متقابل اقتصادی و فرهنگی فرآیندها، نظام جهانی در نتیجه^۳ نا برابریها دچار از هم گسیختگی شده به مجموعه^۴ نا هماهنگی از دولتهای گوناگون و نیز مشترک دارند تقسیم شده است. هیچ نشانه^۵ واقعی از یک وفاق سیاسی که بتواند بر منافع متضاد دولتهای در آینده نزدیک چیره گردد وجود ندارد.

یک حکومت جهانی ممکن است سرانجام بوجود آید، اما اگر چنین چیزی رخ دهد نتیجه^۶ یم فرآیند توسعه^۷ دراز مدت خواهد بود. یکی از نگران کنندترین^۸ ویژه گیهای جامعه جهانی امروز این است که جهانی شدن فرآیندها، نه بایگانگی سیاسی همراست و نه با کاهش نا برابریهای بین الملل ثروت و قدرت.

از بسیاری جهات جهان متحد تر می شود و برخی منابع سنتی ستیزه میان ملتها ناپدید می گردد، با وجود این اختلافات میان جوامع ثروتمند و فقیر بسیار زیاد است و به آسانی می تواند منبع تنشهای بزرگ بین المللی می باشد. هیچ سازمان مرکزی جهانی وجود ندارد که بتواند به گونه ای مؤثر این تنشها را کنترل

کنند یا توزیع مجدد ثروت جهان را تحمیل کند.» (۱)

بخش دوم: جهانی شدن اقتصاد در خاور میانه و کشورهای حوزه^۹ خلیج فارس

(اجلاس جهان اقتصاد با شرکت ۱۹۰۰ نفر از رؤسای جمهور، نخست وزیر، وزیران و کارشناسان اقتصادی جهان با شعار «نگه مشترک به آینده» در منطقه خوش آب و هوای «شونه» کشور اردن آغاز به کار کرد که برنامه ایجاد منطقه آزاد تجاری آمریکا در خاور میانه بر آن سایه افکنده بود.

به گزارش منابع خبری از محل این اجلاس، «کالین پاول» وزیر امور خارجه ایالات متحده که چند روز قبل از برگزاری این اجلاس جهت نظارت بر اجرای روند طرح «نقشه راه» در منطقه بسر می برد، در جریان این اجلاس نشست های متعددی را با برخی از وزیران کشورهای عربی بر گزار کرد.

همچنین پاول طی سهنانی در برابر شرکت کنندگان در اجلاس، برنامه های ویژه ایالات متحده پیرامون جدول زمانبندی برای برپایی چنین منطقه ای را با هدف افزایش حجم بازرگانی و سرمایه گذاری بین آمریکا و کشورهای منطقه اعلام کرد. و نشستی را با اعضای کمیته چهار جانبه صلح خاور میانه بر گزار کرد، و همچنین از کشورهای منطقه بویژه عربستان سعودی، اردن، الجزایر و لبنان خواستار اصلاحات اقتصادی، آزاد سازی تجارت و لغو موانع گمرکی شد. در این حال «عمر و موسی» دبیر کل اتحادیه عرب که به همراه شخصیت های چون کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل،

(۱) آنتونی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منچهر صبوری - تهران ۱۳۷۶، ص ۵۱۵

ایگور ایوانوف وزیر امور خارجه روسیه، خاویر سولانا هماهنگ کنند ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا و جرج رابرتسون دبیر کل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در این اجلاس حضور داشت از ایجاد تغییرات در کشورهای عربی استقبال کرد اما تاکید کرد که این تغییر ضرورتاً "تأیر از داخل اعمال شود نه از سوی نیروی خارجی".

وزیر امور خارجی آلمان نیز اینجاد دموکراسی در منطقه خاور میانه را از طریق نو سازی اقتصاد، حاکمیت قانون و تضمین نسل آینده مکن دانست.

نسبر گزاری فرانسه از محل نشست «شونه» گزارش داد: همچنین اجلاس جهانی اقتصاد پنج زرح را با محتوای دستیابی به صلح و وءبات و توسعه در منطقه خاور میانه ارائه کرده است که نخستین آن مربوط به تهیه مقدماتی برای حرکت زنان در مسائل سیاسی و شکوفایی اقتصادی است. تأسیس شورای متشکل از یکصد شخصیت از جهان اسلام و غرب با هدف دستیابی به تفهم مشترک. تأسی شورای بازرگانان عرب با هدف رسمی قضایای منطقه یی در هیات شورای مشورتی نشست جهانی اقتصاد.

طرحی پیرامون منابع آبی با هدف بهبود وضعیت دستیابی به آب و بهره برداری از آن .

همچنین طرح پیشنهادی اردن در خصوص افزایش سطح آموزش از طریق مشارکت بخش خصوصی و دولتی. از جمله این پنج طرح ارائه شده است. (۱)

تأثیر جهانی شدن بر تحولات فرهنگی در کشورهای حوزه خلیج فارس یکی از حوزه هایی که جهانی شده در آن تأثیری مشخص و روشنی بر جای گذاشته حوزه فرهنگ است . جهانی شدن فرهنگ ، در مناطق مختلف جهان و در حوزه های متنوع فرهنگی چالش هایی جدی پدید آورده است.

منطقه خلیج فارس و کشورهای حاشیه جنوبی آن نیز از این امر مستثنی نبوده اند و جهانی شدن فرهنگ بخش های مختلف زندگی آنها را تحت الشعاع قرار داده است .

جهانی شدن فرهنگ که با استفاده از گسترش فناوری های رسانه ای در قالب شبکه های متنوع ماهواره ای و راه اندازی شبکه جهانی اینترنت خود را بر این منطقه تحمیل کرد ، تأثیرات شگرفی را به نبال داشت .

از عمده تری این تغییرات کاهش سطح وفاداری های قبیله ای و تقویت محروم شهروندی، تعریف دوباره از جایگاه زن و افزایش تضاد میان نخبگان فکری را می توان نام برد.

(۱) روزنامه اعتماد، ۱۳۸۲/۴/۴

در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، قبیله بارزترین نوع نهاد اجتماعی و فرهنگی محسوب می شود. قبیله، واحدی است خویشاوندی که به طور طبیعی بر اساس سنت های قریم یا به صورت آباد و اجدادی به شکل مشترک و توسط افراد خاصی پایه گذاری شده و پا بر جا مانده است.

فرهنگ عمومی و اجتماعی آنها دارای ویژگی هایی بود که آثار آن در جوامع نوین کشورهای منطقه خلیج فارس همچنان قابل مشاهده است. فرهنگ مخاصمه، رقابت و حذف رقبا، علاقه به نزدیکان و واگذاری سمت های کیلوی به افراد خاندان، بی اعتمادی به افراد غریبه محافظه کاری شدید از جمله این ویژگی ها است. توجه به سنت های قبیله ای در نزد حکام خلیج فارس به ویژه در چند دهه اخیر، تأثیرات مهمی بر تحولات ساختار جامعه و شبکه روابط اجتماعی و فرهنگی آن به جا گذاشته است، تغییر واستحاله از یک جامعه سنتی و خود کفا به جامعه ای نو و دگرگون شده که در آن تار و پود زندگی با فناوری مصرفی و وارداتی درهم آمیخته و مسائل اجتماعی فرهنگی فراوانی به دنبال داشته است.

رشد سریع اقتصادی ناشی از نفت، تحولات اجتماعی، بزرگی چون افزایش جمعیت، ظهور حیات جدید

اجتماعی و رشد تحصیلات را به همراه داشته است. این نوگرایی که منشاء خارجی داشت، فاقد ارتباط نهادینه با گذشته این جوامع بود. مدرنیته از هر جا به این منطقه وارد شد، خود را در محیطی مشاهده کرد که از نظر فرهنگی تجانسی وجود نداشت.

این نوگرایی وارداتی که به طور عمده ریشه غربی وارد، کشورهای منطقه را به گونه ای تحت تأثیر خود قرار داده است که ابعاد خطرناک آن همواره از جانب اندیشمندان، روشنفکران و نویسندگان عرب منطقه گوشزد می شود.

۱- انقلاب رسانه ای زمینه ساز تغییرات فرهنگی منطقه:

جامعه شبه مدرن این کشورها با چالش ها و تناقضات پیش آمده وارد عرصه جهانی شد. انقلاب ارتباطات که بستر اصلی رشد جهانی شده محسوب می شود به عنوان عنصر اصلی این جریان، در حوزه فرهنگ منطقه تأثیرات شگرفی به دنبال آورد. هم اکنون در یک دهکده جهانی با پیوندهای الکترونیک و مخابراتی زندگی می کنیم که بر یک شالوده اطلاعاتی استوار است.

بسیاری از شرکت های خدمات رسانی رایانه ای، در حال توسعه سریع قلمرو خود از شبکه جهان اینترنت اند

تا انواع خدمات را در اختیار مشتریان قرار دهند، این شبکه مجموعه ای بی کران از دستاوردهای جهانی را در تمامی زمینه ها در هر زمان و مکان در دسترس متقاضیان فرار می دهد.

این شبکه ها آزادترین و در عین حال هشدار دهنده ترین عامل در مجموعه فناوری های ارتباط جمعی به شمار می روند تا جایی که هر کس، در هر کجا و با هر مرام شخصی یا یدئولوژی: قادر به توزیع بین میلیون ها نفر بدون هر گونه ممیزی قبلی خواهد بود. در طول سال های اخیر، شمار کشورها متصل به اینترنت در سطح جهان از حدود ۶ کشور به ۱۷۰ کشور افزایش یافته است.

۲- تا ژانویه ۱۹۹۴، کشور های حوزه خلیج فارس از این فناوری بی بهره بودند و این در حالی بود که در سایر کشورهای دنیا بیش از ۲/۲ میلیون نفر این نوع را در اختیار داشتند.

در بین این کشورها، کویت اولین کشوری بود که خدمات عمومی شبکه اینترنت را ارائه کرد. در ژوئن ۱۹۹۴، وزارت ارتباطات این کشور حق انحصاری ارائه خدمات به اینترنت را به شرکت شبکه رایانه ای خلیج کویت اعطا کرد.

این شبکه از طریق ماهواره به شبکه Sprint ایالات متحده متصل است. دانشجویان دانشگاه کویت اندر پرداخت هزینه های مربوط به استفاده از اینترنت معاف هستند و از این نظر، کویت تنها کشور حاشیه خلیج فارس است که دسترسی دانشگاه ها به اینترنت را، این گونه میسر می سازد.

در عربستان که جامعه این کشور هنوز یکی از سنتی ترین جوامع دنیا محسوب می شود، روند تغییرات بسیار کند است و هر تحول معمولاً " پس از مباحثات طولانی صورت می پذیرد، در این کشور از تلگراف، تلفن و اکنون اینترنت به سیستم هایی تعبیر می شود که با سادگی می توان آن ها را مورد سوء استفاده قرار داد مگر آن که ابتدا کنترل شده و پس از آن مورد پذیرش عمومی قرار گیرند.

۳- امارات متحده عربی نیز به منظور بر آورده ساختن نیازهای تجاری و تمایل به قرار گرفتن در ده نخست کشورهای منطقه در خصوص ارائه پیشرفته ترین خدمات، در آگوست ۱۹۹۵، از طریق شرکت ارتباطات راه دور عرضه خدمات اطلاع رسانی با اینترنت را برای مردم آغاز کرد.

در خصوص گسترش اینترنت، بزرگترین نگرانی آسیب پذیری ارزش های ملی، مذهبی و فرهنگی در مقابل این پدیده الکترونیکی است.

وجود صحنه های مستهجن، دعوت به دیگر ادیان، آموزش چگونگی اقدام به خودکشی تأثیرات بالقوه بر نقش زنان در جامعه، آسیب زدن به هنجارهای فرهنگی منطقه و تضعیف زبان عربی از مهمترین این نگرانی ها است.

۴- کشورهای منطقه خلیج فارس نیز در عرصه فرهنگی جهانی شده با چالش های عمده ای برخورد می کنند که بارزترین تأثیر آن را میتوان در کاهش سطح تعلقات قومی و تقویت مفهوم شهر وندی، تعریف دوباره از جایگاه زن و افزایش تضاد میان نخبگان فکری بیان کرد.

کشورهای منطقه در برنورد با این چالش ها، راهکارهای متفاوتی اتخاذ کرده اند که نهایت، برآیند رفتاری آنها، فاصله گرفتن تدریجی از خصلت ها، سنن و عادات عشیره ای و حرکت به سمت ترکیب مناسب عناصر ارزشمند سنتی، فرهنگی و ارزش های جدید میراث مشترک بشری است. در زیر به بیان مده ترین تأثیرات جهان شدن فرهنگ این حوزه می پردازیم.

۱- کاهش سطح تعلقات عشیره ای:

مهمترین تأثیر جهانی شدن فرهنگ، مواجه کردن هویت های نوعی یعنی زبانی، قومی و فرهنگی است. فرهنگ جهانی شده با استفاده از رسان های جمعی به یکی از اصلی ترین ابزار در جهت افزایش آگاهی های عمومی و در نتیجه تضعیف فرهنگ های محلی و ملی تبدیل شده است. در منطقه خلیج فارس رسانهای جمعی نظیر اینترنت و ماهواره تابوها و مقدسات فرهنگ های سنتی را به راحتی زیر پا می گذارند.

۵- یکی دیگر از دلایل تغییر وضعیت فرهنگی و اجتماعی این کشورها، قشر جوان آنها است. این نسل با وجود آن که آموزش های دینی را فرگرفته، به سبب هجوم بی سابقه فناوری های جدید، تلویزیون، ماهواره و اینترنت و ازدیاد مسافرت جهانگردی دچار تغییرماهیت شده است. نسل جدید در کشورهای خلیج فارس معیارهای فرهنگی مشخصی ندارند، زیرا یک سو با آمیزه های سنتی و از سوی دیگر، با الگو سازی های غربی روبه رو هستند و در نتیجه دگرگونی وضعیت فرهنگی، استحکام شخصیت قبیله ای و اعتقادات و اعتماد به نفس اجداد خود را ندارند.

بنابراین در حالی که بیشتر دولتهای منطقه محدودیت شدیدی برای حفظ نظام های سنتی خود اعمال می کنند، آموزه های جدید بین المللی با ساختارهای اجتماعی و فرهنگی این کشورها در تضاد کامل است .

۲-تعریف دوباره از جایگاه زن :

در جوامع قبیله ای کشورهای حاشیه جوبی خلیج فارس ، زنان از ابتدایی ترین حقوق محروم بوده اند و مرد-سالاری به عنوان یک هنجار مورد قبول همگان قرار داشت . نخستین بار، جبهه رهایی بخش ظفار آزادی زنان را سرلوحه مشی خود قرار داد و در بیانیه مبنی بر پیامد های انقلاب ، تاکید کرد که یکی از وظایف انقلاب ، آزادی زنان ، آموزش عامه و مبارزه با قبیله گرای است .

۶-به صراحت می توان ادعا کرد که زنان کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس تا قبل از دهه ۱۹۹۰، از حقوق اجتماعی شناخته شده، محروم بودند. حتی در دوره اخیر نیز با جود آن که هر شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس دارای مجلس شدند، فقط امیر نشین عمان با رعایت تمامی مراحل در سال ۱۹۹۷ به زنان حق رأی داد.

۷- درمقایسه با سایر کشورهای این منطقه، کویت در زمینه آموزش دختران و زنان پیشرو تر از کشورهای دیگر بود.

کویت نخستین کشوری بود که برای دختران بورس تحصیلی فراهم کرد . خانواده های شهری کویت هیچ گونه تضادی میان اسلام و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی زنان مشاهده نمی کردند. در حال حاضر ، بیش از ۷۰ درصد دانشجویان کویت زن هستند.

به طور کلی زنان از نقش سنتی خود در هانه به نیروی کار مؤثری تبدیل شده اند می تواند تغییرات اقتصادی، اجتماعی مهمی در این کشور ایجاد کند. دولت کویت نیز از نقش محوری در جامعه آگاه است. دولت در حمایت از زنان کویت فرامینی صادر کرد که بر اساس آن از سال ۲۰۰۳ حق رأی پیدا کنند.

تمام کشورهای منطقه به جزء عربستان در جهت افزایش حضور زنان در آموزش عالی گامهای بلندی برداشته - اند و نمونه ای از این تلاشها، اعطای حق شرکت در انتخابات و اخیراً امکان انتخاب شدن در آن است.

۳- افزایش تضاد میان نخبگان :

در کشورهای حاشیه خلیج فارس به طور مشخص سه دسته نخبگان قابل شناسایی هستند . دسته اول نخبگان سنتی را شامل می شود که در واقع از خانواده های حاکم شیوخ و روء سای قبایل اند . دسته دوم ، روشنفکران و تحصیلگردگانی که متعلق به قشر و طبق متوسط جامعه اند و دسته سوم ، علما و مفتیان مذهبی هستند. بررسی تاریخ جوامع این کشورها ، حاکی از این نکته است که اغلب ، نخبگان دسته های اول و سوم در کنار هم قرار می گرفتند و علی رغم برخی از اختلافات به نوعی تفاهم می رسیدند، در این شرایط جوامعی از استحکام بیشتری برخوردار بودند که توانستند تفاهم لازم را برقرار کنند.

۸- تأثیر جهانی شدن نیز در افزایش تنش میان نخبگان ین جوامع ، آشکار است . یکی از کارکردهای جهانی شدن فرهنگ ، تضعیف فرهنگهای محلی و حتی ملی از طریق رسانه های جهانی است . این رسانه ها تابوها و مقدسات فرهنگ های سنتی را به راحتی زیر پا می گذارند و موجب نگرانی افراد غلاقه مند به فرهنگ و سنت بومی را فراهم می آورند.

هم اینک جوامع عربی حاشیه جنوبی خلیج فارس به لحاظ فرهنگی نیز در حال گذر هستند و با توجه به تغییرات ایجاد شده در حال دور شده تدریجی از وابستگی های قومی ، قبیله ای و قیود و تعصبات ناشی از آن و حرکت به سمت مفاهیم جدید فرهنگی یا ترکیبی از مفاهیم ارزشمند فرهنگ سنتی و ارزش های پذیرفته شده جهانی هستند.

خلاصه مقالات

دومین همایش دو سالانه اقتصاد ایــــران

فرآیند جهانی شدن اقتصاد (Globalization) که همگرایی و ادغام (Integration) بازارهای تجارت، سرمایه و مالیه جهانی و بالاخره نظم و همسو کردن قوانین، مقررات و مار ویژه های فعالیتهای اقتصادی در سراسر جهان را بدنبال داشته و در این راستا هر روز بر سرعت خود می افزاید نحوه و حوزه های تعاملات اقتصادی جهانی و هر یک از کشورها را به طریق نوین تعیین کرده است .

جهانی شدن اقتصاد که در چار چوب گسترش، توسعه و همی گیر شدن نظام اقتصاد سرمایه داری به پیش می رود ، الزامات تنظیم لیبرالیسم نوین اقتصادی (Liberalism Regulation) را به عنوان ابزارها ضروری و اولیه تعامل با نظام اقتصاد جهانی معرفی می کند. این الزامات در قالب اصلاحات نوین اقتصادی، تجاری ، مالی ، پولی و نیز اصلاح ساختار اقتصاد ملی کشورها و جایگاه دولت در آن ظاهر می گردند تا بدین ترتیب راه ورود و در واقع ادغام هر یک از اقتصاد های ملی در نظام اقتصاد جهانی را ممکن و هموار سازد.

بهره مندی از مزایا و کاهش هزینه های تعامل هر یک از نظامهای اقتصاد ملی با نظام اقتصاد جهانی منوط به درجه و نحوه انطباق اصلاحات اقتصادی داخلی با الزامات نظام لیبرالیسم نوین اقتصادی و سرمایه داری در جهان است.

اما از سوی دیگر، انجام اصلاحات اقتصادی داخلی که عمدتاً "برآزاد سازی نظام اقتصادی و کاهش نقش و حضور دولت از پیکره اقتصاد ملی این کشورها پا فشاری می کند به تنهایی و ضرورتاً" تضمین کننده قطعی رشد و توسعه اقتصادی ، افزایش درآمدهای اقتصادی، کاهش هزینههای تولیدی و تجاری ، افزایش شهم از سرمایه گذاری خارجی ، ظهور و تقویت مزیت های نوین اقتصادی و تولیدی نسبی ، ارتقاع سطح تکنولوژی های پیشرفته و نهایتاً "بهبود جایگاه و قدرت رقابت اقتصادی کشورهای مربوط نمی باشد، بلکه تمامی اینها همچنین بستگی به جایگاه و حضور فعال سایر بازیگران دولتی، غیر دولتی و فراملیتی در نظام اقتصاد جهانی دارد به علاوه اینکه ، الزامات نظام اقتصاد جهانی در جهت اجرای اصلاحات اقتصادی

کشورها در مواردی می تواند منجر به آسیب پذیری های جدی اقتصادی ، سیاسی و اقتصادی برای این کشور ها بدنبال داشته باشد، که بحرانهای اخیر در آرژانتین ، برزیل ، اوروگوئه و ترکیه از این نمونه هستند. به اعتقاد بسیاری از نویسندگان منتقد فرآیند جهانی شدن اقتصاد که به تبعات ناشی از نابرابری های اجتماعی این فرآیند توجه ویژه ای مبذول می دارند ، جهان شدن اقتصاد سبب گسترش فقر و بیکاری و تنزل جایگاه اجتماعی بخش وسیعی از مردم در کشورهای فقیر و حتی در کشورهای غنی می گردد و بع تعبیری جهانی شدن بعضی از مردم دارا و محلی شدن بعضی مردم نادر را بدنبال می آورد.

به اعتقاد یکی از نویسندگان جهانی شدن اقتصاد به سود دارترین کشورها و به ضرر نادرترین کشورها تمام می شود بنا بر آمار برنامه توسعه سازمان ملل متحد در بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ نادرترین کشورها که بیست در صد از جمعیت جهان را تشکیل میدهند شامل کاهش سهم خود در مبادلات جهانی از ۴٪ به کمتر از ۱٪ بوده اند .

بنابراین ، نه فقط فرآیند جهانی شدن اقتصاد ، الزامات گستره ای را برای نحوه و میزان تعامل اقتصاد ملی هر یک از کشورها با آن تبیین می کند بلکه این الزامات و اصلاحات اقتصادی پیشنهاد شده با چالشهای جدی رو برو می گردند . در این راستا ، شناخت صلاحات اقتصادی پیشنهادی از سوی نظام اقتصاد جهانی برای ج ، ۱، ایران جهت تعامل هر چه بیشتر ، بهتر و سود آمدتر با این نظام و شناخته ، آسیبهای احتمالی اجرای اینگونه اصلاحات، اهمیت و ضرورت بحث و بررسی موضوع فوق را نشان می دهد.

در این نوشتار ، ابتدا به برخی از ویژگی های فرآیند جهانی شدن اقتصاد در ایجاد و تبیین راههای نوین تعامل نظامهای اقتصاد ملی (از جمله ایران) با نظام اقتصاد جهانی اشاره می کنیم.

سپس به برخی جالشها و عباد متناقض این فرآیند در چارچوب منافع و هزینه های تعامل با نظام اقتصاد جهانی می پردازیم.

در مرحله سوم، رئوس اصلاحات الزامی تعریف شده از سوی نهادهای اقتصادی و مالی نظام اقتصاد جهانی در روط با کشورها بویژه برای ایران را توضیح می دهیم. بدیهی است بحث و ارزیابی کافی مطالب ارائه شده در هر یک از قسمتهای این نوشتار نیازمند حوصله، زمان و فضای هر چه بیشتر است و ما به علت محدودیتهای گوناگون تنها به بیان اختصاری مطالب اکتفا می کنیم.

بخش سوم: جهانی شدن اقتصاد در ایران

بین المللی شدن اقتصاد:

مهمترین موضوعی که به نظر می رسد در شیوه های مسلط بر برنامه ریزی توسعه در ایران همواره مورد غفلت و یا عمدتاً در حاشیه قرار گرفته، موضوع بین المللی شدن اقتصاد کشور است.

بین المللی شدن اقتصاد ایرا، مانند بین المللی شدن اقتصاد همه کشورها، امری نیست که ما آن را از پیش بررسی کرده، بپذیریم و یا رد کنیم. بین المللی شدن اقتصاد با گسترش ارتباطات اقتصادی باجریان خارج به تدریج اتفاق می افتد.

افزایش کمی و کیفی داد و ستدها، قرار دادها و تعاملات در بخش های مختلف اقتصاد با خارج، اقتصاد ملی را وارد عرصه بین المللی می کند و زمانی که این نوع تعاملات بزرگ و گسترده شد، اقتصاد ملی را به اندازه حجم و قدرت خود، جزیی از اقتصاد منطقه و یا اقتصاد جهان می گرداند.

وقتی بخواهیم با یک روبرگرد بین المللی برای اقتصاد ملی خودمان برنامه ریزی کنیم بجای آن که فقط نیاز رشد و توسعه بهشهای اقتصادی خود را متغیر اصلی به حساب آوریم، باید امکانات و جایگاه کشورمان در منطقه و جهان و نسبت کشورمان با کشورهای دیگر را مد نظر قرار دهیم. مثلاً " به جای آن که فکر کنیم چگونه چاه های نفت و گاز فلان حوزه را استخراج کنیم، به این بیندیشیم که ایران در منطقه ای واقع شده که می تواند به یک مرکزیت تولید و توزیع انرژی تبدیل شود. با استفاده از شبکه های موجود و برنامه ریزی برای تقویت آن، می تواند از گاز و نفت را به مناطق مختلف توزیع کند.

اقتصاد ملی کشور ما روز به روز به طور فآینده ای در جریان بین المللی شدن قرار دارد. نا دیده انگاشتن آن، واقعیت را تغییر تنی دهد بلکه ما را در برخورد با وجوه و مظاهر بین المللی شدن، به راه حل های مقطعی و روز مره می کشاند. از انجا مع بین المللی شدن اقتصاد در هر بخش، یک کانال ارتباطی بین اقتصاد خارجی و اقتصاد ملی ایجاد می کند لذا ما را هم در برابر فرصت ها و هم در برابر چال های غیر منتظره قرار می دهد.

فقدان برنامه ریزی برای برخورد با بین المللی شدن به معنی از دست دادن فرصت ها و متاثر شدن از مشکلات و چالش ها خواهد بود. (۱)

ضعف های اقتصاد ایران
مشکل ما نه در اصل پیوستن به جهانی سازی اقتصاد، بلکه در چگونگی پیوستن است. زیرا تجارت بسیاری از کالا های ساده سرمایه ای، تحت کنترل خریداران عمده خارجی شرکت های چند ملیتی است و آنان در تجارت کالاهایی، نظیر پوشاک، منسوجات الکترونیک و غیره آن نقش اصلی را بر عهده دارند.

آنان در بازار رقابت ناقصی که چه فروشنده و خریدار عمده نبض بازار را به دست دارند ، پر سود خود مشغولند اجازه سر بر آوردن به رقبای جدید نمی دهند و انتظار دارند کشور طرف

ماهنامه روند اقتصادی ، سال اول - دوم شهریورماه ۱۳۸۲ ، ص ۴۶ و ۴۹

معامله با آنان هیچ گونه ممانعت و مزاحمتی در تملک صنایع داخلی برای خارجیان ایجاد نکند . اکنون شرکت های چند ملیتی در بسیاری صنایع کشورهای تازه صنعتی شده ، مثل الکترونیک ، ماشین آلات ، تجهیزات حمل و نقل و مصنوعات فلزی ، نقش محوری دارند و مالکیت آن ها بر بسیاری از کارخانه ها امری رایج است . در چنین فضایی ، این فکر که ما هر چه را که بخواهیم تولید و به هر کجا بخواهیم صادر می کنیم ، نشانه خام اندیشی است ، زیرا به سادگی می توان در یافت که شرکت های چند ملیتی ، به راحتی مزایای تجارت آزاد را با دوستان جدید خود قسمت نمی کنند و بسیار بیش تر از آن چه ببخشند از ما خواهند ستاد .

از این گذشته ، اقتصاد ایران ، دارای نقطه ضعف هایی است که باید برای آنها چاره ای اندیشید . پیوستن به جهانی سازی اقتصاد ، این ضعف ها را بر طرز نمی سازد و با وجود آن ، نمی توان از مزایای رقابت بین المللی بهره برد . تاکنون در عرصه جهان از بین کشورهای در حال توسعه ، تنها تعدادی اندک توفیق یافته اند که وضعیت جدید اقتصادی جهانی ، بهره برداری کنند و جوامع صنعتی نوینی را پدید آورند ، اما اکثر کشورهای در حال توسعه که چه بسا نقطه ضعفهای برخی از آن ها کمتر از کشور ماست . هنوز نتوانسته اند خود را به تکنولوژی لازم مسلح کنند و در بازار جهانی جایگاه در خوری بیابند که وضع زندگی ملت خود را بهبود بخشند . بنابر این ، تجارت آزاد فرشته رحمتی نیست که در همه جا و با هر و صنعتی ، ملت ها را خوشبخت کند .

ضعف های اقتصاد ایران ممکن است ، بسیار باشد ، ولی ما تنها برخی از آن ها اهمیت زیادی دارد بیان می کنیم :

دانش اقتصاد در ایران ریشه ملی ندارد و یک علم کاملاً وارداتی است و هیچ گاه حالت بومی به خود نگرفته است و ما از این نظر ، مصرف کننده صرف هستیم . با اینکه متخصصان علوم انسانی در سایر رشته ها ، نظیر حقوق و روانشناسی می کوشند به نوعی یافته های خویش را با ارزش های جامعه ایرانی تطبیق دهند و جای پای خود در سنت ها پیدا کنند ، ولی علم اقتصاد در ایران ، همچنان حالت ترجمه ای خود را حفظ کرده است .

مشکل دیگری که مطرح است ، ضعف برنامه ریزی و مدیریت اقتصادی است این مشکل تا حدی ناشی از سیاست زدگی اقتصاددانان و نادیده گرفتن مصالح و اولویت های اقتصادی ، به انگیزه های جناحی است . بخشی دیگر به سبب سهل گیری و ساده دیدن بیش از حد قضایا و انتخاب آسان ترین راه حل است که معمولاً نارساترین و پرهزینه ترین از آب در می آید . مثلاً برای جلوگیری از اسراف نان و اتلاف انرژی ، چاره کار افزودن قیمت آن ها دانسته می شود ، اما پس از چندین سال اثر مثبتی پدیدار نمی گردد . در حقیقت نظام برنامه ریزی ، اقتصادی ایران با سابقه طولانی در تدوین برنامه های میان مدت و دراز مدت توسعه ، دچار ضعف تئوریک است .

متأسفانه ، در بین اقتصاددانان ایرانی ، وحدت نظر وجود ندارد ، و اختلافات آنها ، تنها به گرایش به مکاتب و نظریه های اقتصادی محدود نمی گردد . عدم کامیابی اقتصادی ایران در دهه های اخیر آنان را به مجادله های بی حاصل کشانده است . آن ها به هیچ گونه مجمع و یا تشکیلات موثری ندارند که بتواند در میانشان ، اجماع نظری به وجود آورد؟ سیاست مداران را تحت تاثیر قرار دهد، حتی گاه دیده شده است که یک فرد خاص، برای باقی ماندن در پست های کلیدی اقتصاد کشور، در یک دوره کوتاه از دو سیاست گذاری متضاد اقتصادی جانبداری نموده است. این زیر پا نهادن وجداتن و خیانت به علم است.

از دیدگاه کارشناسان اقتصادی، بیش از کشورهای صادرکننده نفت «دولت را نتیر» هستند. اگر بهطور کلی «رانت» را درآمدی بدانیم که مواهب طبیعی عاید گردد و از خارج کشور تامین شود و هیچ گونه ارتباطی با فرایندهای تولیدی داخل نداشته باشد و این معیار را نیز بپذیریم که هر دولتی که ۴۲٪ یا بیش تر از کل در آمدش از رانت خارجی باشد، دولت را نیز قلمداد می شود، باید متوجه تبعات منفی آن بر تاثیرات منفی رانت بر دولت این ها است:

اول: رانت موجب استقلال دولت از جامعه می شود ممکن است در اتخاذ و اجرای سیاست خود، منافع جامعه را نظر نگیرد و تنها به حفظ موقعیت خود بیندیشد.

دوم: دولت را نیز انگیزه و نیازی به اخذ مالیات ندارد.

سوم: در توضیح رانت، احتمال می رود که رفاه عمومی در نظر گرفته نشود و ارتباطات خانوادگی و گروهی اساس کار قرار گیرد.

چهارم: رانت باعث حاکم شدن نوعی «روحیه رانتی» در کشور می گردد. در نتیجه مردم کار و کوشش را عامل ثروتمند شدن نمی دانند، بلکه به نظر آن ها، این شانس تصادف است که ثروت می آفریند. دست یابی به رانت خیلی مهمتر از دستیابی کارآیی تولیدی می شود.

پنجم: دولت را نیز برای پاسخ به تقاضای جامعه - اقدام به واردات مزایده کالاهای لوکس و مواد غذایی می کند و دسترسی به کالاهای خارجی ارزان و مرغوب ضربه مهلکی به فعالیتهای تولیدی داخلی وارد می سازد و واردات غذایی آسان تر و کم هزینه تر، بخش کشاورزی را نابود می کند و روستاییان را به شهرها گسیل می دارد.

۵ پس از گذشت بیش از نیم قرن از آغاز نخستین برنامه های توسعه در ایران و انجام پنج برنامه عمرانی از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۵۶ در قبل از انقلاب اسلامی و دو برنامه توسعه طی سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۷، گذشته از آن که استراتژی توسعه در ایران، هنوز دقیقاً مشخص نشده است، از جهت اجرایی هم مانع همیشگی برنامه

ها، یعنی دیوانسالاری و فساد اداری که در دهه آغاز انقلاب اسلامی، به سبب فضای اخلاقی حاکم و ایشارگری های نسل انقلاب و پاکدامنی و چابکی انقلابیون، تا حدی تضعیف شده بود و می رفت که برای آن چاره اندیشیده شود، دوباره در دوران سازندگی پس از جنگ، در قالبی جدید پدیدار گشته است. کاغذ بازی و رشوه خواری و اهمیت دادن به روابط جناحی و صنفی، بزرگترین دشمن توسعه است. مردمی که هر روز شاهد فسادهای مالی کلان در رشوه خواری های بزرگ هستند، نه برنامه های اقتصادی دولت را جدی می گیرند و نه با آن همکاری خواهند کرد.

آسیب های پیوستن به جهانی سازی اقتصادی

ما را در دام رقابتی می اندازد که برای آن آماده نشده ایم و کشور ما از این جهت کاملاً آسیب پذیر است. اقتصاد ایران از نظر سرمایه داری، بهره وری، تخصص و تجربه نیروی کار، در حد پایینی است و محصولات تولیدی داخلی گران و دارای کیفیت پایین است. حتی در این زمان که دولت قادر مطلق است، سیاست گذاری ها شفاف و به جا نیست و تخصیص بودجه ها در تاریکی صورت می گیرد و ناشیانه اجرا می شود چه برسد به حالتی که به طور جدی، خصوصی سازی و آزاد سازی و اقتصادی در دستور کار قرار گیرد. در چنان وضعیتی، سر رشته کارها به کلی از کف مسئولان بیرون خواهد رفت.

مساله استقلال اقتصادی، به دلیل متعدد برای کشور ما اهمیت دارد. البته، منظور درونگرایی افراطی نیست، لیکن خود کفایی نسبی در تولید کالاهای استراتژیک معمولاً نیاز به حمایت دارند. پیوستن به سازمان تجارت جهانی که تعرفه های حمایتی و مقررات مربوط به ورود و خروج کالا را در دستور کار خود، یک باره، سیل کالاهای ارزان وارداتی را به داخل کشور سرازیر خواهد ساخت و تولید گران داخلی را از صفحه خارج خواهد کرد و در تقسیم کار بین الملل، پست ترین نقش را به ما خواهد سپرد: صادر کننده مواد اولیه ای، مثل نفت و مس و غیره که هر روز از قیمت آن کاسته می شود. در این صورت، مقررات کشور به دست بیگانگان خواهد افتاد.

هر از چند گاه بحران های زنجیره ای، بازارهای مالی و بورس سهام را در سطح منطقه ای و یا سراسر جهان فرا می گیرد. این بحرانها که به علل گوناگون و به صورت ناگهانی روی می دهند، زیان های بسیاری را باعث می گردند. مقابله با بحرانها برای کشورهایی که اقتصاد کوچکی دارند، بسیار مشکل و در بعضی موارد غیر ممکن است در این صورت، کشورهای ثروتمند و نهادهای مالی بین المللی کشورهای کوچک تر کمک می کنند تا بحران را پشت سر بگذارند، چنان که در مورد بحران های اقتصادی مکزیک و ترکیه، شاهد این امر بوده ایم. در مورد کشور ما در دست نشانده قدرت های بزرگ نیستیم، و تا به حال، بارها ناظر کارشکنی کشورهای قدرتمند در استفاده از حقوق خود در نهادهای مالی بیت المللی بوده ایم. بحرانهای اقتصادی بسیار شکننده تر خواهد خواهد بود.

با توجه به این که در ایران پس از جنگ جهانی تا حدی انجام گرفت گرفت و نتایج نا میمونی از جهت اجتماعی و اقتصادی به بار آورد و ما شاهد آشوب های خیابانی در چندین شهر کشور بودیم که واکنش منفی جامعه در قبال این سیاست ها بود.

جهان گرایی اقتصادی، زمینه تحقق اهداف عدالت خواهانه قانون اساسی جمهوری اسلامی را از بین خواهد برد. در اقتصاد جهانی شده، برای پیشه گرفتن بر سایر رقیبان حتی کشورهای پیشرفته ای که از جهت بهره وری و تخصص نیروی کار در حد بالا هستند، ناگزیرند که از دستمزد و مزایای کارگران به ترندهای گوناگون بکاهند تا هزینه تولید کم تر و قیمت کالا پایین تر باشد و بتواند سهم خود را در بازار فروش حفظ کنند. برای ما که از نظربهره وری در حد پایینی هستیم، چاره ای جز استثمار نیروی کار باقی نمی ماند و خال آن که وعده اجرای عدالت اقتصادی در سالهای آغاز انقلاب، انتظارات نیروی کار را بسیار بالا برده است.

جهانی شدن، استقلال اقتصادی را از بین می برد و با رفتن استقلال اقتصادی بسیاری از حصارهای موجود فرهنگی در جامعه ما فرو خواهد ریخت و وضع به حالتی در خواهد آمد که دست یافتن به سود اقتصادی

ملاک دسترسی فعالیت ها باشد. حفظ هویت فرهنگی در فضایی که دولت و ملت ، تنها به حداکثر کردن سود بیانیدشد.

به سبب هزینه هایی که دارد، وظیفه ای است که همگان از زیر با آن شانه خالی خواهند کرد. با از دست رفتن هویت فرهنگی و سست شدن پیوندهای مذهبی و ملی، استقلال سیاسی و یکپارچگی ارضی جمهوری اسلامی که دارای قومیت های اقلیت های مذهبی است، به خطر خواهد افتاد، به ویژه اگر افزایش تضاد طبقاتی دل های اقشار مردم را نسبت به یکدیگر بد گمان و نا مهربان ساخته باشد، سهر بر آوردن ادعاهای قومی و جدایی طلبی ها و میل به خود مختاری در آینده بسی خطر ساز خواهد شد.

جهانی شدن، پذیرش الگوی سرمایه داری است و پذیرش الگوی سرمایه داری آرمان های انقلاب اسلامی و جهان بینی و ارزش های اخلاقی اسلام سر تضاد دارد

در صورت ادغام ایران در اقتصاد جهانی ، ما هم به جرگه کشورهای پیرامون نظام سرمایه داری خواهیم پیوست و از آن پس ، سرمایه داران در داخل کشور هم همه کاره خواهند بود و با فروکش کردن شور انقلابی و همسو شدن دولت با سیاست استکبار جهانی ، در داخل و خارج کشور ، نظام ولایت فقیه زیرسوال خواهند رفت.

و اما پیوستن به سازمان تجارت جهانی و دنبال کردن طرح ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی و دنبال کردن طرح ادغام اقتصاد ایران در اقتصاد جهانی، به بهانه این که سهم ما از تجارت جهانی اندک است و از این جهت زیان میبینیم، ضررهای بزرگ تری را متوجه اقتصاد و نظام جمهوری اسلامی ایران خواهند کرد.

پس باید به هوش باشیم که با این توجیحات، بدون آماده سازی اقتصاد و برنامه ریزی دقیق و بر طرف ساختن ضعف های مدیریت، با چشمان بسته، گام در اینراه ننهیم و استقلال ، عزت و آینده کشور و ملت خود فدا نکنیم.

منابع

آلین تا فلز، موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی تهران ۱۳۸۰

آلین تا فلز، شوک آینده ، ۱۹۷۰ م

آنتی گیدنز، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران ۱۳۷۶

ماهنامه روند اقتصادی، سال اول، شماره دوم، شهریور ماه ۱۳۸۲

روزنامه اعتماد ۱۳۸۲

مطالبی از اینترنت با سایتهای

www.modares.ac.ir

www.ayandehnegar.org

www.worldnews.org